

## فصل پانزدهم

در ذکر فروعی چند راجع بازدواج

## الف - ۱ - در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"قد كتب الله لكلّ عبد اراد الخروج من وطنه ان يجعل ميقاتا لصاحبه في اية مدة اراد ان اتى و وفى بالوعد أنّه اتّبع امر مولاہ و كان من المحسنين من قلم الأمر مكتوبا. و الا ان اعتذر بعذر حقيقى فله ان يخبر قرينته و يكون في غاية الجهد للرجوع اليها و ان فات الأمران فلها تربص تسعة اشهر معدودات و بعد اكمالها لأ باس عليها في اختيار الزوج و ان صبرت أنّه يحبّ الصّابرات و الصّابرين." (بند ۶۷)

مقصود از فات الأمران در ضمن لوح زين المقرّبين كه ذیلا درج میشود از لسان عظمت جاریشده و خلاصه آنكه شوهر نه میقات مراجعت را تعیین کند و اگر هم تعیین کرد و مانعی موجود شد بقرینه خبر ندهد. در اینخصوص در لوح زين المقرّبين مفاد آیات مبارکه مذکوره بلسان فارسی از لسان عظمت نازل شده قوله تعالی:

"بر هر نفسی لازم حین خروج از وطن میقاتی از برای سفر معین نماید و میقات را هر قدر معین نماید مجری و ممضی است. اگر در رأس میقات راجع شد قد وفى بالوعد و اتّبع حکم مولاہ و اگر در رأس میقات راجع نشد و بعذر معین معذور آمد یعنی در رجوع مانعی بهم رسید كه في الحقیقه ممنوع شد باید خبر بفرستد و کمال جهد نماید در رجوع. و اگر رأس میقات راجع نشد و خبر هم نفرستاد تربص نه شهر بر ضلع لازم و بعد اگر بخواهد زوج اختیار کند لأ باس علیها و باید نفقه ضلع در اینمدّت معینّه برسد."

## ۲ - در رساله سؤال و جواب نازل شده:

"سؤال - اگر نفسی سفر کند و میقات رجوع یعنی مدّت سفر را معین ننماید و مفقود الخبر والأثر شود تکلیف ضلع چیست؟

جواب - اگر امر کتاب اقدس را شنیده و ترک نموده ضلع یکسال تمام تربص نماید و بعد اختیار با اوست در معروف یا اتّخاذ زوج. و اگر شخص امر کتاب را نشنیده ضلع صبر نماید تا امر زوج او را خداوند ظاهر فرماید و مقصد از معروف در این مقام اصطبار است."

### ۳- در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"و ان اتی الخبر حین ترتبها لها ان تأخذ المعروف انّه اراد الاصلاح بین العباد و الامماء." (بند ۶۷)

### ب - ۱- در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"و ان اتاها خبر الموت او القتل و ثبت بالشیاع او بالعدلین لها ان تلبث فی البیت اذا مضت اشهر معدودات لها الاختیار فیما تختار هذا ما حکم به من کان علی الامر قویاً." (بند ۶۷)

### و در لوح زین المقربین در مفاد این آیه مبارکه میفرماید قوله تعالی:

"و اگر شخصی سفر نماید خبر موت یا شهادت او برسد اثبات این فقره معلق بشیوع یا بعدلین است. بعد از ثبوت و انقضای تسعة اشهر ضلع در اتخاذ زوج مصاب است."<sup>1</sup>

### ۲- در رساله سؤال و جواب نازل:

"سؤال - از آیه "و ان اتاها خبرالموت... الخ

جواب - مراد از لبث اشهر معدودات نه ماه است."

"سؤال - از حدّ عدالت در مقامیکه اثبات امر بشهادت عدلین شود

جواب - حدّ عدالت نیکوئی صیت است بین عباد و شهادت عباد الله از هر حزبی لدی

العرش مقبول."

### ۳- راجع بشهادت نسوان

بیان مبارک ذیل در لوح محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه مورّخه

<sup>1</sup> این آیات فارسیّه از لوح زین المقربین نقل شد. لوح مزبور از سماء مشیت جمالقدم جلّ جلاله نازل شده و مطلع این لوح مبارک این است قوله تعالی: "بسم الله المهیمن القیوم سؤالاتیکه در احکام الهیّه نموده بودید عرض شد از مطلع عنایت این جواب مشرق و لائح قوله جلّ کبریاغه جناب زین المقربین انشاء الله بعنایت الله در کلّ عوالم فائز باشید. سؤالات شما لدی العرش مقبول است چه که منفعت کلّ خلق در اوست ".... الخ

۱۲ شهر المسائل ۹۲=۲۳ دسامبر ۱۹۳۵ نازل قوله العزیز:  
"شهادت نساء جائز و تعیین عدد شهود راجع بامنای محفل ملّی روحانی است." الخ

۴ - حضرت عبدالہاء جلّ ثنائه در لوح مرحوم حکیم باشی<sup>۲</sup> قزوینی میفرمایند قوله جلّ ثنائه:  
"اما مسئله خبر موت یا قتل زوج و مکث نہ ماہ این تعلق بغایب دارد نہ بزواج حاضر."

ج - در رساله سؤال و جواب مذکور است:

"سؤال - اگر شخصی باکرہ را نکاح نمود و مہرّیہ را ہم تسلیم کرد و ہنگام اقتران معلوم شد کہ باکرہ نیست آیا مصروف و مہرّیہ برمیگردد و یا نہ؟ و اگر بشرط باکرہ بودن نکاح شد آیا فساد شرط سبب فساد مشروط میشود یا نہ؟

جواب - در این صورت مصروف و مہرّیہ برمیگردد و فساد شرط علت فساد مشروط است. ولکن در اینمقام ستر و عفو شامل شود عند اللہ سبب اجر عظیم است."

د - حضرت عبدالہاء جلّ ثنائه در لوحی میفرمایند قوله العزیز:

"نکاح و طلاق باید در تحت مرکزی نافذ جاری گردد تا اگر طرفین اختلال خواهند مقتدر نباشند بلکه مجبور باطاعت باشند."

۵ - در خصوص ختان در لوح جناب ہائی میفرمایند قوله الاحلی:

"فرمودند: چون منصوص نیست مفروض نہ." ( بیان حضرت ولیّ امر اللہ جلّ ثنائه)

ہ - حضرت عبدالہاء جلّ ثنائه در لوح جناب گودرز مہربان میفرمایند قوله جلّ ثنائه:

---

<sup>۲</sup> مرحوم حکیم باشی میرزا موسی خان پسر محمّد جعفر خان کرد قزوینی است. مشار الیہ مستغنی از تعریف و توصیف و جمیع خلق بذکر و ثنای وی ناطق و الواح الہیّہ شاہد روحانیت و علوّ مقام اوست. مشار الیہ در لیله پنجم ماہ رجب ۱۳۴۲ ہجری قمری مطابق دلو ۱۳۰۲ ہ - ش در قزوین صعود فرمود. ابتدا در قبرستان عمومی بعدا بگلستان جاوید قزوین منتقل شد. علیہ رحمۃ اللہ

"در خصوص تأهل بعد از فوت قرینه انسان سؤال نموده بودید، در شریعت الله جائز ولی در صورتیکه انسان از زوجه اول اولاد و احفاد داشته باشد اگر چنانچه چشم از ازدواج ثانی بپوشد راحت تر است و خانه آسوده تر و روح و ریحان بیشتر ولی در شریعت جائز."